



واکاوی ضابطه دستیابی به روش های برون رفت از چالش ربا در بانکداری اسلامی

علیرضا ارژنگ^۱

مرتضی نوروزی^۲

علی اکبر نوایی^۳

چکیده

جامعه اقتصادی امروزه بدون صنعت بانکداری قابل تصور نیست، از سویی کشور ما به عنوان یک جامعه اسلامی با محدودیت هایی برای پذیرش همه جانبه و بی قید و شرط، این صنعت غیربومی مواجه است، یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز در قراردادهای بانکی، مسئله فقهی وضعیت قرض بدون ربا در قراردادهای بانکی می باشد، از آن جهت که یکی از تخلفات بانکی در قاموس معنایی ربا به منصفه ظهور می رسد، در پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش می باشیم که چگونه می شود با بهره گیری از مبانی و قواعد فقهی به اصول و ضابطه ای دست یافت که با دستیابی به روش هایی مشروع و منعطف، بانک ها بدون

۱ دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان

۲ استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان

۳ استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان

از دست دادن کارکردهای مالی خود، همچنان به فعالیت هایشان ادامه داده و مرتکب ربا نشوند، در جستار حاضر تلاش شده با بهره‌گیری از مبانی و قواعد فقهی، اصول و قواعد کلی شناسایی راهکارهای مصونیت از ربا در نظام بانکداری اسلامی بررسی گردد. در فرآیند تحقیق، این برآیند در دسترس قرار می‌گیرد که قرض از منظر فقه، قراردادی تملیکی، خیرخواهانه و کاملاً غیرانتفاعی است و شرط هر گونه عوض و منفعتی در قبال آن جایز نیست، از همین‌رو می‌توان سیستم بانکی را ضمن حفظ رونق اقتصادی، به واسطه معرفی ضابطه عام دستیابی به راه‌های برون‌رفت از ربا و افتادن در ورطه ربای قرضی می‌توان با استفاده از چهار اصل «منفعت عقلایی»، «استقلالیت»، «شبهه ربوی نبودن» و «فقدان مانع شرعی و عقلی و عرفی» مصون داشت.

واژگان کلیدی: قرض، دین، بانکداری، قرض الحسنه، ربا.

مقدمه

بی‌شک هدف اساسی انقلاب در ایران برپایی نظام اسلامی و ظهور گزاره‌های اسلامی در تمامی شئونات جامعه می‌باشد، حذف ربا در نظام بانکداری یکی از مهم‌ترین مهم‌ترین این گزاره‌ها به شمار می‌آید؛ لذا تنها پس از گذشت تقریباً ۹۰ روز از تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی شورای انقلاب با به جهت اسلامی کردن بانک‌ها مصوبه‌ای را به منصفه تصویب رساند و در سوم خرداد ماه ۱۳۵۸ شورای پول و اعتبار طی صدور بیانیه‌ای سازوکار



اخذ بهره را سرو سامان داد، اما به جهت ایرادات و مشکلاتی که مصوبه مذکور به همراه داشت، ذیل تبصره‌ی ۵۴ قانون بودجه مصوب شده برای سال ۱۳۶۰، دولت ملزم شد تا به جهت اصلاح و حذف ربا از سیستم بانکی کشور هر چه سریع تر پژوهش های لازم را صورت داده و نهایتاً ظرف مدت ۶ ماه لایحه آن را به مجلس ایداع نماید^۱ (ضیائی، ۱۳۷۲: ۹۵۱).
التهایه بعد از طرح و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران، فقها و اقتصاددان های اسلامی با همکاری یکدیگر به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی افتادند. با بررسی اهداف و ساختار بانک ها آشکار می شود که سیستم بانکی، دارای اهدافی است که آنها را از طریق يك قالب حقوقي مشخص به دست می آورد. نهاد بانک از سابقه ای به درازای تاریخ پیش از میلاد حضرت مسیح و محافظت متولیان معبد، برای حفظ اموال مردم از سرقت و غارت به شیوه تبرع و یا در قبال اخذ کارمزد ناچیزی بهره می برد^۲ (ماجدی، ۱۳۶۷: ۱۶۳).

در نگاه سنتی هدف و مأموریت بانک این است که میان افرادی که منابع مازاد نقدی دارند و افرادی که با کسری منابع مواجه هستند، رابطه برقرار کند و از این رهگذر زمینه رونق اقتصادی و اشتغال را فراهم نماید، اما اکنون بانک نقش مهم تری به خود گرفته و از ارکان بنیادین اقتصاد، خصوصاً در مقوله سرمایه داری به شمار می آید، زیرا اقدامات و فعالیت های گوناگون را در چارچوب های متنوع پوشش می دهد که غالب این اقدامات بر پایه بهره

استوار می‌باشد^۱، در این میان، مشکل بانکداری رایج این است که این اهداف را از طریق قالب حقوقی قرض ربوی محقق می‌کند، این درحالی است که قرض از نظر اسلام، قراردادی تملیکی، خیرخواهانه و غیرانتفاعی است و شرط أخذ هرگونه منفعتی در قبال آن جایز نیست.

در خصوص اهمیت فقهی این مسئله همین قدر بس که برخی از فقها از جمله صاحب تذکره، مقدس اردبیلی و امام خمینی در مورد حيله تبدیل ربا به غیرربا، بر این باورند که فرار از ربا صورت نگرفته است^۲. بلکه معامله مثل به مثل را به معامله دیگری تبدیل شده است؛ زیرا تخلص از ربا به هیچ یک از حيله‌هایی که گفته‌اند، جایز نمی‌دانند^۳ سوال مهمی که در این جا مطرح می‌شود، که تحقیق حاضر درصدد پاسخ به آن هست، این است که آیا راهکار فقهی وجود دارد که براساس آن از طرفی رونق اقتصادی و فعالیت های مالی بانک ها حفظ شده و از سویی ضمن دستیابی به قواعدی کلی به جهت ایجاد پروتکل هایی با محدودیت فقهی از جمله ربا- که موضوع این مقاله هست- مواجه نشود تا از این رهگذر هم اهداف سرمایه گذران در صنعت بانکداری تامین و هم اهداف جامعه اسلامی محقق گردد؟

۱. بختیاری، صادق (۱۳۸۳)، قانون عملیات بانکداری بدون ربا و چالش مفاهیم، نشریه علمی اندیشه

حوزه، شماره ۵۳؛ ص ۵۳

۲. اردبیلی، محقق مقدس، مَجْمَعُ الْفَائِدَةِ وَ الْبُرْهَانِ فِي شَرْحِ إِرْشَادِ الْأَذْهَانِ، ج ۸، ص ۴۵۲؛ حلی، یحیی بن سعید، جامع الشرائع، ج ۱۴، ص ۴۲۹؛ خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ص ۵۳۸.



بی شک تفصیل در جزئیات مرتبط با عصر امروز یکی از وظایف دانشمندان علوم فقهی است که با کاربرست اصول کلی می توان آن را به منصفه ظهور رساند ، با توجه به برخورداری جنبه عام و کلی معاملات این اصول کلی در مسیر اجتهاد به یاری فقیه آمده و به واسطه آن حکم تفصیلی مسائل استخراج می شود، اینکه شارع مقدس در خصوص معاملات نقشی تاسیسی نداشته و صرفاً نقش امضای موارد سابقه را ایفا می کند، امری مسلم و غیر قابل انکار در شؤنات فقهی بشمار می آید، و این وظیفه فقیه است که اصول کلی القاء شده از سوی معصومین علیهم السلام را در کنار استخراج معاملات در عصر حاضر به دست آورده و با تطبیق معاملات در عصر شارع با کوچک ترین شباهتی در کلیات به حکم مسئله دست پیدا کند، به همین جهت لزوم مشابَهت اجمالی کفایت دارد، اساساً باید هر معامله مستحدث و جدیدی با حریم ممنوعه و خطوط قرمز شریعت تطبیق داده و گام فراتر از آن نرود.

در خصوص پیشینه پژوهش می توان به مقالات و کتب متعددی در این زمینه اشاره کرد. از جمله می توان به مقاله «طراحی سپرده های جدید در بانکداری بدون ربا» اشاره کرد که نویسنده درصدد اثبات این مطلب هست که فقط مشکل سپرده سرمایه گذاری مدت دار در بانکداری بدون ربا را برای آن گروه از سپرده گذاران که ریسک گریز و در پی کسب درآمد ثابت و از قبل تعیین شده برای سرمایه نقدی خود هستند، را حل کند. همچنین می توان به کتاب «ربا و تورم: بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا» نوشته علی احمد یوسفی در کنار مقاله «آراء العلماء فی الربا لعالم باحث» اشاره کرد که در آن مقاله

مذکور نویسنده با ارایه سولاتی از جمله «آیا با تغییر زمان احکام تغییر می کند؟ و حکم تعارض نص و مصلحت چیست؟ پس از همه اینها آیا کشور ما بعد از انقلاب و نیاز آن به وام برای بهبود امور و اینکه این وام ها را فقط با بهره می توان گرفت یعنی با ربا؟» دیدگاه انتقادی خود را نسبت به حیل ربا و رفتارهای اجتماعی ابراز کرده است، همان گونه که پرواضح است جهت این پژوهش ها یا تحقیق پیش رو تفاوت آشکاری دارد. چرا که؛ در جستار حاضر تلاش می شود با بهره گیری از مبانی و قواعد فقهی راهکار جدیدی پیش روی فعالان عرصه بانکداری قرار داده شود تا ضمن حفظ منافع مالی بانک، از افتادن در ورطه ربای قرضی اجتناب شود.

مقاله حاضر از یک مقدمه و سه فصل تشکیل شده است. در فصل اول مفهوم شناسی، و در فصل دوم با عنوان «موضوع شناسی فقهی ربا و نسبت سنجی آن با عناوین مشابه»، به مساله ربا با عناوین مشابه پرداخته شده است. همچنین در فصل سوم با عنوان «بانکداری اسلامی و راهکارهای ایجاد آن»، ارایه شده تا النهایه غایت اصلی پژوهش یعنی تبیین اصول کلی و ضابطه ای مشروع و معقول به جهت دستیابی به روش های برون رفت از ربا در بانکداری اسلامی حاصل آید.



مباحث مفهوم شناسی در روشن کردن مقصود محقق، از جایگاه ویژه ای برخوردارند، چراکه با داشتن و رسیدن به نوعی از تفاهم مشترک و درک ادبیات علمی یکدیگر می توان اثری را پذیرفت یا مورد انتقاد قرار داد، از همین رو مفاهیم ذیل را که به نوعی نقش اساسی در این تحقیق دارند را مطرح می کنیم، در ابتدای بحث به نسیان نرود که غرض نگارنده از اصول و ضابطه ذکر شده در مورد پژوهش آن دسته عواملی می باشد که در فرض تخطی به اساس راهکار و روش ایراد وارد شده و مانعیت پذیرش آن در برون رفت ربا از بانکداری اسلامی به منصفه ظهور می رسد.

۱-۱. دین

دَین، مصدرِ دَانَ یَدِینُ، به معنی قرض، بدهی و وام، با این توضیح که آنچه مهلت پرداخت دارد، دین، وگرنه قرض است (ابن منظور؛ قاموس؛ تاج العروس؛ جوهری؛ نفیسی؛ لغت نامه). این واژه در اصطلاح فقهی و حقوقی، به معنی مال کلی است که به سببی از اسباب به ذمه شخص درآمده است؛ ازاین رو، به بدهکار مدیون و به طلبکار داین می گویند^۱. علامه حلی دین را عبارت از مال کلی ثابت در ذمه یک فرد به نفع دیگری که سبب آن یکی از اسباب «دین» است، می داند^۲. البته دین با تعهد متفاوت داشته و تعهد اعم از دین است و شامل

۱. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام، ج ۲۱، ص ۵.

۲. حلی، یحیی بن سعید، جامع الشرائع، ص ۲۸۳.

تعهد به انجام دادن کار یا خودداری از آن نیز می شود. دین با ذمه هم فرق دارد. دین شاغل ذمه است؛ در نتیجه، هر دین مضمون در ذمه است، ولی هر مضمون در ذمه دین نیست؛ مانند بیع کلی که اجل نداشته باشد^۱ (جعفری، ۳ / ۲۱؛ ابن عابدین، ۴ / ۲۳۷). دین در معنی فقهی خود در قرآن کریم به کار رفته است: «إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...»^۲. قرض عقدی است ارفاقی که به موجب آن، گیرنده قرض متعهد به رد مال مقروض است^۳ (سلار، ۱۹۶؛ بهوتی، ۳ / ۳۱۲)؛ بنابراین، مفهوم دین اعم از قرض، بوده و آن یکی از اسباب ایجاد دین است. با این حال فقها گاهی راجع به هر دو معنی ذیل قرض، و برخی ذیل دین بحث کرده اند، لیکن تمایز میان این دو، در این گونه نوشته ها مشخص است^۴ (محقق کرکی، ۵ / ۷؛ شهید ثانی، ۴ / ۱۱-۱۲؛ ۵-۶؛ ابوصلاح، ۳۳۰؛ سلار، پیشین؛ بحرانی، ۲۰ / ۴۹).

از آن جا که دین استحقاق مال بر ذمه دیگری است، کلی فی الذمه محسوب می شود. با این توصیف در تقسیم بندی حق به عینی و دینی، در قسم دوم قرار می گیرد.^۵ دین تکلیفی است

۱.

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۳.

۴. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام، ج ۲۱، ص ۵-۶.

۵. برای آگاهی بیشتر، نک: کاتوزیان، دوره ۶، ... به بعد.



که شخص نسبت به اجرای مفاد حق مالی در برابر صاحب آن پیدا می کند^۱ (قاسم زاده، ۱۳۹۸: ۷۹).

۱-۲. قرض

قرض از عقود تملیکی است و عبارت از عقدی است که به موجب آن یکی از دو طرف معامله، مقداری معین از مال خود را به ملکیت دیگری در می آورد تا طرف مقابل مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف برگرداند و یا در صورت تعذر مثل، قیمت یوم الرد را پرداخت نماید^۲. طبیعت قرض این است که انسان پول، سرمایه و مملوک خودش را از عینیت خارج می کند و به آن ذهنیت و اعتبار می دهد^۳، در همین جا مناسب است تا انواع قرض (ربوی و غیرربوی) مطرح شود.

ربا همچون مفهوم گسترده ای است که در مباحث و مصادیق متعددی ظهور پیدا می کند، یکی از آن موارد که در جهت دستیابی به غایت پژوهش بررسی نهاد ربا در سیستم بانکداری می باشد، بانکداری رایج سپرده گذاران در برابر فعالیت های بانکی مسئولیتی ندارند و سود و زیان بانکی تفاوتی در حال آنها ایجاد نمی کند و بانکدار باید اصل سپرده

۱. قاسم زاده مرتضی، خرید دین در نظام بانکی ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، ص ۷۹.

۲. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ص ۳۲۸.

۳. خادمان محمود، فقه امامیه و بانکداری اسلامی، ص ۱۶۸۵.

و سود آن را در زمان تعیین شده به سپرده گذار پردازد و همین امر سبب شده که سرمایه گذاران در صنعت بانکداری برای جبران زیان های خود به ربا رویاورند. چراکه؛ فعالیت های اقتصادی توأم با سود و ضرر و میزانی از ریسک هست و همین امر سبب شده که بانک ها در ورود به فعالیت های مفید اقتصادی با تردید مواجه شده و به جای آن که خود را در معرض ریسک قرار دهند، با پول به عنوان یک کالا به تجارت پردازند. در نظام بانکی ربوی پول کالایی هست که به فروش می رود، چراکه؛ در این تجارت میزان ریسک به صفر درصد کاهش یافته و اصل اکتساب سود آن هم با میزان مشخص، قطعی و از پیش تعیین شده، تضمین می شود. چالش اساسی در نظام بانکی ربوی آن است که تلاش می کند بانک ها را از ورود به فعالیت های مفید اقتصادی مانند تولید و غیره دور کند. از همین روست که در بسیاری از کشورها از ورود بانک ها به سرمایه گذاری در سهام شرکت ها جلوگیری می شود.^۱

در بانکداری بدون ربا افزون بر تعهد و مسئولیت طرفینی بانک ها و مردم نسبت به یکدیگر، بانک ها در چرخه اقتصادی نیز فعالیت دارند تا بتوانند پاسخگوی سپرده گذاران باشند^۲، قرض غیرربوی خود نیز دو نوع قرض الحسنه و قرض غیرحسنة را شامل می شود، قرض- الحسنه از جهت فقهی و حقوقی تحت «عقد قرض» مطرح می شود و همان احکام را دارد،

۱. هادوی تهرانی، مهدی، مجموعه سخنرانی ها و مقالات بانکداری اسلامی، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۱۰.



تحقق آن شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می کند^۱ براساس آیات و روایات قرض الحسنه نیز قرض بدون بهره ای است که فرد نیکوکاری در اختیار نیازمندی قرار می دهد تا با استفاده از ارزش زمانی پول، فرد نیازمند، با استفاده از آن نیاز خود را برطرف نماید^۲ بی تردید گسترش قرض الحسنه در جامعه اسلامی کوششی است در راستای رفع نیازهای مادی افراد و ریشه کن نمودن فقر.

در مقابل قرض غیرحسنة، قرضی است که به نیت های غیرالهی داده شده باشد و در عین حال زیاده ای در کار نباشد. مانند: قرض بدون زیاده به جهت آسان شدن نقل و انتقال پول (در حساب جاری) یا جهت حفظ پول. این نوع قرض، حلال ولی بدون ثواب است^۳، با این توضیح پرهیز از معاملات در بردارنده عنوان شبهه ربوی باید الزاما در دستیابی به روش های برون رفت ربا در بانکداری اسلامی رعایت شود، زیرا سیره عقلای در مبحث معاملات، هیچ نیازی به امضا شارع، عدم ردع و جعل او به دلیل قرارگرفتن در دایره موضوعات عرفیه ندارد؛ غرض آنکه امر عرف باید متصف به قید مشروعیت باشد، نه آنکه امر مشروع باید قید عرفی بودن را به خود بگیرد.

به زعم نگارنده مقوله بانکداری از جمله مصادیق منضم عرف بوده که شرعی نیز می باشد نه بالعکس، بدان معنا که سیره عقلاییه مسائلی نظیر بانکداری و موارد اطراف آن را تایید

۱. کیقبادی، سعید؛ عباس، عرب مازار، جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی ایران، ص ۱۵.

۲. حاتمی، صدیقه، امینی، راضیه، ماهیت فقهی حقوقی سپرده ها در بانکداری ربوی و بدون ربا، ص ۱۳.

۳. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ص ۷۴۳.

می‌نماید؛ و این نباید با آنجایی که نوع معامله یا به تعبیر دیگر عنوان مسئله موجب جزئیة بوده مورد خلط واقع شود، زیرا دادوستد هایی که سود در مقابل سود یا پول در مقابل پول و یا به صورت اوراق قرضه صورت می‌گیرد، به جهت برخورداری از عنوان شبهه ربوی از شمول (أحل الله البيع) خارج بوده و از مطلوبیت شارع به دور است، از آن جهت که اوراق قرضه بر پایه قرض با بهره ای معین استوار بوده و شبه ربا محسوب می‌شود، با تمسک حیل ربا و سازوکار هایی که قرض بانکی را از ربا دور می‌کند، با صدور اوراق مشارکت جواب این شبهه که چطور اوراق قرضه که در حقیقت تثبیت شدن بدهی به یک برگه قابل مبادله را نگارنده نامطلوب می‌داند ولی قرض بانکی مطلوب، داده می‌شود، زیرا اساساً قرض بانک با فاصله گرفتن از ربا به آبادی نزدیک می‌شود.

۲. موضوع شناسی فقهی ربا و نسبت سنجی آن با عناوین مشابه

نهاد بانک در عرف اقتصادی، به مجموعه‌ای بر پایه انتفاع و اساساً تمرکز بر بازار سرمایه و اخذ اندوخته یا آورده جامعه هدف یعنی مردم و ایداع وام می‌باشد، بدین معنی که بانک در اقتصاد متعارف از جهتی پول مازاد مردم را جذب کرده و از سوی دیگر با اخذ تضمینات شایسته این ورودی را به اشخاص عرضه می‌کند، به نسیان نرود که نحوه استفاده خروجی پولی در دستان متقاضیان وام برای بانک اهمیتی نداشته و حصراً در این مجموعه جذب



سرمایه حداکثری و ایداع وام با تصمیمات کافی قابل استرداد حرف نخست را می زند،^۱ که چنین مسئله‌ای با بانکداری بر مدار قانون عملیات بانکداری بدون ربا ناسازگار است، زیرا بانک در قانون مذکور یا قرض الحسنه به نحوی که مالک آورده سپرده خویش را به شرط عندالمطالبه بودن استرداد کل سرمایه به اختیار بانک در می آورد، شامل می شود و یا در سرمایه گذاری آورده مشتریان بانک نقش وکیل صاحب سپرده را ایفا می کند، بدین بیان که سپرده وارده چرخه بانکی شده و طی انجام فعالیت های سوده اقتصادی، بعد از کم کردن حق الوکاله سود خالص به صاحب سپرده تقدیم می شود.^۲

با بررسی اهداف و ساختار بانک های سنتی این نتیجه حاصل می شود که این سیستم دارای اهدافی است که آن ها را از طریق يك قالب حقوقي مشخص محقق مي کند، هدف و مأموریت بانک این است که بین افرادی که مازاد منابع نقدي دارند و افرادی که با کسري منابع مواجه هستند، رابطه برقرار کند و از این طریق موجب رونق اقتصادي و ایجاد اشتغال شود.^۳ با اندک تأملی اصل حرمت ربا در غالب یک اصل کلی^{۴ ۶ ۷} متصور می شود، زیرا

۱. بختیاری، صادق، قانون عملیات بانکداری بدون ربا و چالش مفاهیم، ص ۵۳.

۲. همان.

۳. حاتمی، صدیقه، امینی، راضیه، ماهیت فقهی حقوقی سپرده ها در بانکداری ربوی و بدون ربا، ص ۱۰.

۴. سوره نساء، آیه ۱۶۱: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ».

۵. سوره روم، آیه ۳۹: «وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِّيَرْبُوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَا عِنْدَ اللَّهِ».

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۳۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً».

برای بیان ملاک حرمت ربا آنطور که از قرآن به منصفه ظهور می‌رسد، تحقق ظلم «لا تظلمون» است، ظلمی که از سوی گیرنده ربا بر دهنده آن متصور می‌شود^۱ و مضافاً دارای قلمرو خاصی است و به این معنا نیست که هر جایی که بهره و ربا صدق کرد پس آن معامله حرام باشد، بلکه کلیه منافع و بهره و انتفاع آزاد است؛ مگر در دو صورت: ربای قرضی و ربای معاملی هم جنس^۲. به بیان دیگر اساساً اصل ادعا بحث با تمسک به جنبه فقدان عقلایی بودن پاسخ داده می‌شود، زیرا ناگزیر کلیه کنش های اقتصادی بشر هم دربردارنده از سود است و هم ضرر، فلذا تضمین سود به نحو مطلق عقلایی نیست.

در منابع فقهی ربا به دو نوع ربای معاملی و ربای قرضی تقسیم شده است، ربای قرضی یا همان قرض ربوی، هر نوع زیاده‌ای است که در ضمن عقد قرض، به نفع قرض‌دهنده شرط شود؛ یعنی کسی «جنسی» یا «پولی» را قرض دهد و «منفعتی» بیش از آنچه که قرض داده است بگیرد. منفعت، لازم نیست از جنس همان چیزی باشد که قرض داده شده است، بلکه شامل هر چه که منفعت تلقی می‌شود است^۳؛ منظور از «ربای معاملی» نیز آن است که در تبادل اجناس با یکدیگر، اگر عوضین هم جنس باشند، باید عوضین از حیث

۷ سوره بقره، آیات ۲۷۵-۲۸۱: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» و «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ».

۱. مطهری، مرتضی، مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه، ص ۲۳۷.

۲. مصطفوی، سیدمحمدکاظم، فقه المعاملات، ص ۱۶۱.

۳. مطهری، مرتضی، مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه، ص ۲۷۰.



مقدار مساوی باشند. لذا فقط در اجناس مکیل و موزون مورد نظر است و در سایر اشیاء معدود و غیر معدود می توانند از حیث مقدار متفاوت باشند. پس ربای معاملی در عوضین هم جنس که از حیث کیل یا وزن، متفاوت باشند مطرح است..

اشتراک ربای معاملی و قرضی، در وجود منفعتی افزون بر اصل مال است که بر نگرش اقتصادی و متعارف استوار نیست، تفاوت اصلی این دو در این است که ربای معاملی، در معاوضه و معامله محقق می شود، اما ربای قرضی تنها در عقد قرض یا تمديد مهلت پرداخت بدهی وجود دارد. همچنین شرایط تحقق این دو متفاوت است. ربای معاملی در معاوضه دو شیء و کالای هم جنس است که معیار سنجش آنها «وزن کردن» (کالای موزون) یا «پیمانه کردن» باشد^۱؛ اما در ربای قرضی، هم جنس بودن یا نوع خاصی از کالا شرط تحقق ربا نیست^۲.

مطابق تعریف روایات صحیح، قرارداد قرض زمانی مبتلا به ربا می شود که به واسطه شرط زیاد تبادر به شبهه ربوی بودن یا انضمام عقد قرض به یک نهاد ربوی برود؛ در غیر این صورت ربا منتفی می باشد. ماهیت و جوهر ربای قرضی، گرفتن زیاده به عنوان یکی از دو عوض و یا تابع آن است، به گونه ای که سبب مستقل برای آن قابل فرض نباشد، استقلالیت و شبهه ربا بودن دو گزاره بسیار مهم در غایت پژوهش می باشد که توجه به راه های برون

۱. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ص ۴۱۹.

۲. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ص ۵۱۰؛ سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام، ج ۲۱، ص ۶۲.

رفت از ربا در بانکداری اسلامی بسیار اهمیت دارد، افزون بر مطالب پیش گفته درباره ربوی نبودن همه قراردادهای بانکی، برخی از روایات وارده نیز بر این مطلب اشاره دارد که هرگونه بهره در قرارداد قرض، ربا نیست، بلکه «اشتراط بهره» است که منجر به ربوی شدن قرارداد قرض می شود، به دیگر سخن ادعای «نفی هرگونه بهره در نظام اقتصادی اسلام»، ادعای نادرستی است^۱.

غیر قابل انکار است که منظور داشتن هرگونه بهره را در قرض چه صراحته و چه تلویحاً ربا دانسته و آن فرضی را که شخص گیرنده قرض داوطلبانه زیاده‌ای را نسبت به اصل مقدار قرض می دهد، از محل بحث خارج بدانیم، ولی فروضی را می توان یافت که شخص با توجه به خدماتی (نظیر خدمات بانکی و...) که ارائه می کند یا حفظ ارزش پول در نوسانات تورمی یا مواردی که به تفصیل در آینده اشاره خواهد شد، شایسته دریافت مزدی می باشد که نام آن را هر چه که بگذاریم ربا بدان معنای ترتب حکم حرمت بر آن متصور می باشد، ادامه برخی از این روایات ذکر می شود:

الف) از امام (علیه السلام) سوال کردم که من یکصد درهم به طور شمارش عددی از کسی طلب داشتم، ولی او یکصد درهم به حساب وزن به من داد. امام (علیه السلام) فرمود:

۱. ناجی مهدی، بررسی عقد قرض به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی، ص ۴۸.



ضرری ندارد، سپس افزود: ربا به خاطر شرط سود در متن قرارداد به وجود می آید و شرط آن را فاسد می کند.^۱

ب) حلبی می گوید: از امام ششم (علیه السلام) سوال کردم مردی مبلغی درهم از شخصی وام می گیرد با تعداد معین قرض خود را می پردازد، درهم هم وزن می دهد و می داند که آنچه می دهد وزنش بیشتر است از آنچه گرفته و این کار را به طیب خاطر و به دلخواه خود می کند و نظر دارد که به قرض دهنده منفعتی برساند، امام فرمود: اشکالی ندارد در صورتی که شرطی در میان نباشد ولو همه را به او بخشد درست است.^۲

ج) امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه پول های نقره ای را وام دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، حرام نیست به شرط این که قراردادی روی این کار در میان نباشد.^۳

د) محمدبن قیس از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: کسی که به دیگری درهم هایی را قرض می دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند. پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد، پذیرد.^۴

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۵۸.

ه) اسحاق بن عمار گوید: به امام هفتم (علیه السلام) عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که به او قرض می‌دهد و مدت وام طول می‌کشد و از این مال چیزی عاید صاحبش نمی‌شود. از این رو بدهکار گاهی هدیه‌ای برای او می‌فرستد مبادا مالش را پس بگیرد. بر او حلال است؟ فرمود: اگر با هم شرط نکرده باشند اشکالی ندارد^۱.

چنین روایتی بیانگر آن است که اگر برخی ضوابط و اصول کلی به منصفه اجرا برسد، اخذ سود و زیاده با رضایت طرفین فاقد اشکال بوده و جایز است فلذا از طرفی نفی کلی سود نامعقول و از طرف دیگر شناخت این ضوابط و اصولی کلی برای مبتلا نشدن به ربا ضرورت دارد، علاوه بر این روایات، اخبار نسبتاً زیادی وجود دارد که دلالت بر استحباب پرداخت زیاده از سوی وام‌گیرنده دارد که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) امام صادق (علیه السلام) در مورد کسی که به رضایت و دلخواه خود زیاده‌ای بر قرض پرداخت می‌کند، می‌فرماید: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی داشته باشد؟^۲.

ب) ابی‌مریم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: هر وقت بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شتر دوساله‌ای بود، شتر چهارساله عطا می‌کرد^۳.

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۲. همان، ص ۳۵۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۳.



ج) محمد بن مسلم به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: فقیهان ناحیه‌ی ما می‌گویند هر قرضی که منفعتی تحصیل کند فاسد است، امام (علیه السلام) فرمود: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی هم داشته باشد؟^۱.

د) از امام صادق (علیه السلام) سوال شد اگر وام سودی داشته باشد، چگونه است؟ فرمود: بهترین وام آن است که سودی جلب کند.^۲.

به طور کلی در خصوص معنای در جزئیات حادثه باید گفت که وقتی در معاملات تورق و تبعی نموده و آن مسئله را با گزاره های تمثیلی عصر شارع بتوان از جهت شباهت جابه جا کرد، سپس در مرحله بعد مانعی را از سوی شارع به منصفه ظهور نرسد، دلالت بر مهر تایید آن را می توان استنباط کرد، البته نباید چنین امری را با قیاس خلط نمود، زیرا غرض در این بخش از پژوهش منصرف به ممیزات و آن احکام کلی صادره از سوی شارع است که مجتهد در مسیر اجتهاد آن کلی را بر مصادیق جزئیة حادثه با رعایت ادله اجتهادی و فقهاتی منطبق ساخته و احکام شرعی را استخراج کند، به بیان دیگر در صورت فقدان مانع شرعی بی شک امکان دستیابی به روش های برون رفت از ربا در بانکداری اسلامی متصور خواهد شد، برای مثال ضمیمه کردن یکی از روش های مذکور است ولی مانع منفعت عقلایی بر سر راه آن قرار داشته و در صورت عدم وجود آن همچون انضمام یک قوطی کبریت به

۱. همان، ص ۳۵۵.

۲. همان.

اعتبار ۱۰ میلیون تومان به وام مورد مذمت عقلا می‌باشد، البته به نسیان نرود که منحصر به فرد بودن یا ارزش متمایز داشتن همان قوطی کبریت از غالب فروض تخصصاً خارج می‌باشد.

آنچه که از بیانش عبور کردیم، بدان جهت به یک قاعده و اصل کلی جرئت ادعا پیدا می‌کند که تا زمانی عمومات اقتضای ترتب اثر می‌کنند که فقدان مانع به منصفه تصور برسد، مفقود بودن مانع نیز یعنی چیزی که عدم آن در معاملات مورد اخذ واقع شده باشد^۱ به بیان دیگر مانع در جایگاه آن چیزی است که در صورت عدم تحقق معلول محقق شده و صرف تلازم بین عدم امری و وجود امر دیگری مانعیت تلقی نمی‌شود^۲. اساساً وجود مقتضی قوام دهنده مانعیت مانع بوده و در جایگاهی که مقتضی فاقد باشد، مانعیت محلی از معنا نخواهد داشت، زیرا مسئله عرفیه یا عقلایه غیر از حوزه موانع شرعیه برخوردار از حجیت می‌باشد، غرض از موانع شرعی به جایی اطلاق می‌شود که به تعبیر ساده خطوط قرمز شارع در آن حوزه بوده و خروج از آن ممنوع می‌باشد، گویی همچون استعمال برخی از روایات از واژه «جمی» که به معنای قرق‌گاه و تسلطگاه سلطنتی بوده که بر عدم غلطیدن به منطقه ممنوعه دلالت دارد، فلذا امر تا به آن مرحله نرسیده دارای حجیت می‌باشد.

۱. مروارید، درس خارج اصول ۱۱ شهریور، ۱۳۹۷.

۲. قاینی، درس خارج ۲۱ اسفند، ۱۴۰۰.



البته شاید برخی بنا به جنبه ارشادی-اخلاقی مجموعه روایات مذکور، اینطور استدلال نمایند که نظام بانکی نیازمند گزاره های دلّالی الزام آفرین برای رهایی از چالش های ربوی می باشد و ذکر چنین ادله ای به جهت استحبابی بودن راهگشا نمی باشد، در مقام پاسخ به این شبهه پژوهش متذکر می شود، که اولاً در پی اثبات الزام دریافت سود توسط بانک ها نبوده و ثانیاً اثبات اباحه و عدم حرمت سود متعارف و عقلایی غایت ثانویه بحث است، که روایت مذکور ادعای پژوهش را به چنین مقصدی می رساند؛ در ادامه پژوهش سوالی که مطرح می شود آن است که نقش «کارمزد» در قراردادهای قرض الحسنه چیست و آیا مصداق همان زیادی که روایات فوق بدان اشاره کرده اند، است یا خیر؟ در ذیل به تبیین ماهیت کارمزد می پردازیم.

۱-۲. ماهیت «کارمزد» در قرارداد قرض الحسنه و نسبت آن با «بهره»

یکی از مباحث چالشی در نظام بانکداری بدون ربا ماهیت و نحوه تعیین «کارمزد قرارداد قرض الحسنه» است. قرارداد قرض بین بانک و مشتری و حاکم بودن رابطه دائن و مدیون و اخذ مبلغ اضافی، شبهاتی را برای برخی متفکران و کارشناسان بانکداری و مشتریان به وجود آورده است،^۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین کارمزد قرض الحسنه را از وظایف بانک

۱. موسویان، عباس؛ کشاورزبان، اکبر، مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض الحسنه در نظام بانکی

مرکزی دانسته (ماده ۲۰، بند ۴) و مقدار کارمزد تعیین شده حداقل ۲/۵ و حداکثر ۴ درصد می باشد^۱.

امام خمینی (ره) در باب قرض بانکی ابتدا بیان داشته‌اند که سپردن وجه در بانک و اخذ وام اشکال نداشته و زیاده اگر کارمزد با توافق طرفین باشد فاقد اشکال است، ولی بهره وام ربا و حرام بوده و تغییر عنوان سبب حلیت آن نمی‌گردد^۲، آقایان فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی نیز در زمره قائلین نظریه مذکور می‌باشند. گفتنی است که این گروه از فقیهان وجود سه شرط را برای جواز کارمزد دریافت ضروری دانسته‌اند، نخست آنکه حقیقتاً کارمزد بوده و تحت عنوان پوششی برای دریافت ربا محسوب نگردد، و دوم آنکه به مقدار متعارف و به میزان مخارج مصرف شده بوده و بیشتر نباشد، سوم نیز آنکه با توافق و رضایت طرفین به منصفه ظهور برسد.

همچنین آیت‌الله مکارم بیان داشته‌اند: «هرگاه کارمزد در حد حقوق کارمندان و هزینه‌های جاری باشد. جائز است؛ خواه کارمندان به صندوق ببخشند یا آن را بگیرند^۳؛ آیت‌الله خامنه‌ای چنین استنباط کرده‌اند: «کارمزد به عنوان مخارج صندوق، گرفته می‌شود؛ لذا مسئولان محترم صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه‌های جاری

۱. بیدار، محمد، بررسی کارمزد قرض الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، ص ۹۹.

۲. موسویان، عباس؛ کشاورزian، اکبر، مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض الحسنه در نظام بانکی ایران، ص ۱۲۴.

۳. بیدار، محمد، بررسی کارمزد قرض الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، ص ۹۹.



صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان و امثال آن باشد. حال اگر این محاسبه صورت گرفت و احیاناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن بستگی به نظر مسئولان صندوق دارد»، آیت- الله تبریزی بر این باور هستند که «گرفتن زیادی از مقدار قرض جایز نیست گرچه به عنوان کارمزد باشد و راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان قرض الحسنه، دفترچه‌هایی به عنوان دفترچه اقساط مثلاً تهیه کنند که فی نفسه مالیت داشته باشد و هریک از آن دفترچه‌ها را به متقاضی قرض الحسنه به همان زیادی که می‌خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمن بیع شرط کنند که صندوق قرض بدون سود بدهد، والله العالم»^۱.

اما در خصوص مشروعیت کارمزد نظر نگارنده در مقام تایید آن قرارداشته و باور به این سمت می‌رود چه چنین امری به نفع نظام بانکی کشور می‌باشد، دقیقاً نظیر تجار و کسبه‌ای که فردی را به جهت امور حسابداری در تجارتخانه خود استخدام کرده و به وی مزد معینی پرداخت نماید، حال چه اشکالی در دریافت اجرت برای فردی که تسهیل امر بین ایداع کننده و دریافت کننده وام کرده متصور است، زیرا شخص هم تخصص داشته و هم شرط مقدار مازاد به انضمام دستمزد امر مشروعی به نظر می‌رسد، زیرا اجرت تخصص و مهارت کارمند بانک در کنار رضایت مشتریان، عادلانه بودن سود مطابق تورم ثابت کنونی و

۱. موسویان، عباس؛ کشاورزبان، اکبر، مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض الحسنه در نظام بانکی

رعایت قواعد حلال و حرام به جهت «إنما يحلّ الكلام و يحرم الكلام»^۱ نزدیک به آبادی می باشد.

شاید اینطور به نظر برسد که در بالا رفتن نرخ کارمزد بنا به تورم چون در بازه های کوتاه مدت واقع می شود، شبهه ربا بودن وارد شده و باید آن را در دایره ربای قرضی متصور بدانیم، لکن آنچه که با اندیشه نگارنده تطابق داشته خلاف چنین مسئله ای می باشد، زیرا عقلاً برای وقت و زمان به جهت تورم و حفظ اعتبار پول و سرمایه ارزش قائل هستند، چون حفظ ارزش پول کار مفیدی بوده و عقلاً به جهت امری که برخوردار از سود می باشد، قائل به ایداع وجه و دستمزد هستند، زیرا زمان در تورم کنونی قابلیت خرید و فروش داشته و مثال بارز آن در بورس به جهت ریزش ها و رویش ها، لحظه ای به منصفه ظهور می رسد، با توجه موارد مذکور غیر قابل انکار است که اقداماتی را که برای حفظ ارزش پول صورت میگیرد را نادیده گرفته و کارمزد را حصراً در امورات جاریه احصاء کنیم، عقلایی بودن ارزش پول را میتوان از مصادیقی همچون تقویم مهریه پنجاه ساله زوجه به قیمت روز در شئومات جامعه مشاهده کرد و چنین اقدامی را به حسب قاعده صحیح دانست.

در بورس و اعمال راجحه معامل در ضمن عقد، گویی خرید و فروش زمان را محقق ساخته و به این عنوان که قصد حفظ ارزش اقتصادی وجه ریالی، ارز خارجی و یا دیجیتالی خود باقی دارد، چنین خرید و فروشی تحت عنوان زمان با جنبه غیر عادی بودنش از مطلوبیت و

۱ رک: وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۸، ص ۵۰، أبواب أحكام العقود، باب ۸، ح ۴، ط آل البیت.



ارزشمند بودن عقلایی بهره می برد^۱، چنین ترتیبی دقیقاً نظیر همان چیزی می باشد که بانکدار چون معامله کرده اضافه اجرت میگیرد و ملازمه‌ای با آن ندارد که علت گرفتن کارمزد را به دادن وام نسب داده و دریافت آن را به جهت پرداخت وام بدانیم؛ برای کاربردی تر شدن پژوهش به این سوال که آیا «وجه التزام» در قراردادهای مالی بالاختصاص قرض الحسنه، مصداق رباست و ماهیتا همان را دارد یا خیر؟ در ادامه خواهیم پرداخت.

۲-۲. وجه التزام بانکی

وجه التزام، مبلغی است که بانک‌ها در قراردادهای خود آن را در برابر تأخیر در ادای دین به صورت اشتراط در ضمن قرارداد دریافت می‌کنند. در بخشی از ماده دوم قرارداد فروش اقساطی در قبال توثیق سپرده‌گذاری چنین آمده است: «در صورت تصفیه نشدن کامل بدهی در سررسید به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی مبلغی به ذمه خریدار تعلق خواهد گرفت»^۲، فلذا سبب گرفتن پول دوم، تقصیری است که بدهکار در ادای دین مرتکب شده و از این راه به طلبکار خسارت زده است. پس وجه دریافتی، عوض اضافی در برابر دین نیست؛ بلکه التزامی جداگانه است که سبب آن تقصیر بدهکار است؛ یعنی سبب مستقل و ویژه و مشروع خود

۱. عباسی خراسانی، حسین؛ درس خارج ۱۰ خرداد ۱۴۰۰.

۲. حسینی سیدامرالله، ضوابط شروط ضمن قرارداد، وجه التزام بانکی، ص ۱۳۵.

را دارد و بدل زاید بر اصل نیست تا مصداق «اکل مال به باطل» باشد. به دیگر سخن، آنچه این شرط را محقق می‌کند، عنوان «تخلف» است و نه «تأخیر». روشن است که اگر شرط تنها «تقید بر اعاده قرض» باشد، خارج از عقد است و ربا شمرده نمی‌شود.

توضیح آن که در وجه التزام، بانک شرط نمی‌کند که مشتری در سررسید چیزی بیش از آنچه را قرض کرده است بپردازد، بلکه همان طور که می‌تواند برای اطمینان از وصول بدهی، وثیقه بگیرد و یا ضامن مطالبه کند، همچنین می‌تواند برای الزام مدیون به وفای دین در سررسید مقرر او را متعهد کند که در صورت نقض عهد و تخلف از پرداخت به موقع، مبلغی را به عنوان جریمه بپردازد. به بیان دیگر، این شرط، شرط مصلحت است نه شرط منفعت. همچنین در بانک‌ها شرط جریمه همیشه در قرارداد فرض نیست تا ربوی بشود، بلکه بیشتر تسهیلات بانکی بر اساس قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک برای سلف، جعاله، خرید دین، مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت مدنی است و قرارداد فرض تنها پنج تا ده درصد تسهیلات بانکی را تشکیل می‌دهد.^۱ جریمه دیرکرد در قراردادهای بانکی، منفعت عقلایی دارد و مخالف مقتضای قراردادهای بانکی نیست؛ زیرا به معنای الزام مدیون به پرداخت دین در سررسید معین است. در مجموع طرفداران این دیدگاه دریافت جریمه تأدیه از مشتریان بدحساب را بر مبنای شرط کیفری مالی و به صورت شرط ضمن عقد، می‌دانند. نظر برخی از مراجع درباره اشتراط جریمه تأخیر به شرح



ذیل است: آیت الله موسوی اردبیلی باور دارد که «گرفتن دیرکرد با شرط قبلی ضمن عقد در مقابل عمل نکردن به تعهد پرداخت وام در وقت خود و تخلف از آن اشکال ندارد»^۱.

شایسته تذکر است که منفعت عقلایی بسیار در حوزه معاملات دارای اهمیت بوده و یکی از ویژگی هایی که راهکار و روش برون رفت ربا از بانکداری اسلامی نیز باید از آن برخوردار باشد، منفعت غالبی نزد عقلا یا همان منفعت است^۲، زیرا مقصود و منظور عقلای عالم به منصفه تحقق نمی رسد، برای مثال عقلا پوست تخم مرغ که منفعت نادره قلیله داشته را بی ارزش میدانند، بی شک عدم شایستگی منفعت عقلایی یا منفعت نادره قلیله بیع را باطل می کند زیرا به دلیل فقدان ارزش عنوان بیع یعنی «مبادله مال بمال محقق» نمی شود^۳، دقیقاً چنین امری را در خصوص وجه التزام بانکی به وضوح می توان مشاهده کرد؛ به نظر نگارنده رعایت شکل منفعت عقلایی نیز بسیار اهمیت دارد، مثلاً در فرضی فردی به دیگری ۱۰ میلیون وام می دهد تا شش ماه بعد ۱۲ میلیون مسترد کند و شرط شود که یک جعبه کبریت و نظیر آن را نیز ۲ میلیون ضمن آن عقد اول معامله نماید، چنین معامله ای شکل و غالب عقلایی ندارد چرا که هیچ فردی یک جعبه کبریت و یا یک عدد شکلات را به ۲ میلیون معامله نمی کند

۱. آهنگران، محمدرسول، ملاکریمی خوزانی، فرشته، «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، ص ۱۸۳.

۲. المنافع النادرة كالمعدومة عند العقلاء.

۳. اشرفی شاهرودی، مرتضی؛ درس خارج ۲۵ آبان ۱۳۹۴.

آیت الله صافی گلپایگانی نیز معتقدند که «گرفتن اضافه بابت تأخیر پرداخت تأدیه جایز نیست، اگر به صورت شرط در عقد لازم قید شود، معتبر است». ایشان در فتوای دیگری چنین می نویسند: «اگر مفهوم شرط مذکور مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در مقابل دوازده درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین در رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در مقابل عدم ادا باشد، ظاهراً اشکال ندارد»^۱، آیت الله فاضل لنکرانی می نویسند: «شرط پرداخت خسارت اگر در ضمن عقد لازم، در صورتی که مقدور طرف باشد و حدود آن اگر چه تقریباً معین شود، ظاهراً بی اشکال است و دریافت آن در این فرض مانعی ندارد»^۲.

از فتوای ایشان به دست می آید که اشتراط جریمه با رعایت دو نکته جایز است: اشتراط آن در ضمن عقد لازم و معین بودن آن؛ ولی از اطلاق سخن آیت الله صافی گلپایگانی چنین برداشت می شود که درباره جریمه تأخیر، میان قرض و غیرقرض تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا بر مبنای ایشان میان شرط جریمه به عنوان وجه التزام و ربا تفاوت ماهوی وجود دارد و هدف از آن الزام مدیون به ایفای به موقع دین است و در تأخیر بیشتر مجاز نیست. در فتوای وی، منظور از دوازده درصد، نرخ است که شورای نگهبان در مورخه ۶۱/۱۱/۲۸، برای جریمه تصویب کرده است؛ البته برخی از مراجع باور دارند در جهت عمل به احتیاط، باید دریافت جریمه تأخیر را به صورت ضمن عقد دیگر (عقد خارج لازم) شرط کرد تا ادله حرمت ربای

۱. همان.

۲. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، ص ۳۰۷.



قرضی آن را شامل نشود؛ زیرا دریافت مبلغ زیاده بابت تأخیر بدهکار در پرداخت بدهی، ممکن است شامل دریافت زیاده در برابر تمدید مهلت شود که از مصادیق ربای قرضی شمرده می شود.^۱

۲-۳. حیل‌های شرعی فرار از ربا از منظر امام خمینی (ره) و توثیق دین

امام خمینی (ره) هیچ یک از حیل‌های شرعی ربا را نمی‌پذیرند. تنها در ربای معاملاتی که وزن یکی از دو جنس مُماتِل بیشتر از دیگری است و از نظر قیمت نیز برابرند بدون اشکال می‌داند. مثلاً در معامله یک کیلو گندم مرغوب با دو کیلو گندم نامرغوب، که قیمت هر دو یکسان است. دلیل ایشان آن است که در چنین معاملاتی ربای صوری رخ داده است نه ربای حقیقی؛ زیرا ربا به معنای زیادی است و در چنین معاملاتی، زیادی قیمت وجود ندارد^۲، مهم‌ترین دلیل حرام بودن حیل شرعی از نظر امام خمینی (ره) همان ادله اولیه تحریم رباست که در آن‌ها به وجود مفاسد بسیار ربا در روابط اجتماعی، ذکر شده است، برخی از این مفاسد عبارتند از: «موجب ظلم»، «فساد فی الارض»، «تباهی سرمایه‌ها» و

۱. آهنگران، محمدرسول، ملاکریمی خوزانی، فرشته، بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی، ص ۱۸۳.

۲. عسگری گیلانی حکیم، قرض الحسنه و ربا از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، ص ۱۳۳.

«تعطیلی تجارتات و معاش مردم». روشن است که با اِعمال حیل‌های شرعی نیز این مفاسد تغییر نمی‌کند.^۱

اما نگارنده این دیدگاه با چالش‌های قابل تأملی روبرو می‌باشد، زیرا نخست عمومات و اطلاعاتی نظیر تجارة عن تراض، المؤمنون عند شروطهم و... معامله منضم به چیزی شده^۲ یا در قالب دو معامله و یا به واسطه هبه، قرض و ابراء ذمه محقق می‌شود را شامل می‌شود، البته وجود قصد واقعی به جهت اصالت و جایگاه ویژه‌ای که در انشای اعمال حقوقی و احکام وضعی دارد^۳ در معیت دوری از صوری بودن و فقدان شرط دیگری در معامله، ضروری است، ولی از اساس نادرست و غلط پنداشتن حیل ربا نادرست است و می‌توان با قصد بدان اعتبار بخشید، دوم نیز آنکه اخباری زیادی وجود دارد که استفاده از حیل جایز دانسته و اصحاب نیز بدان عمل کرده‌اند^۴، زیرا از لحاظ اقوال چنین مسئله‌ای بسیار دارای قوت می‌باشد.^۵

۱. فیاض محمدصادق، چالش حیل‌های شرعی فرار از ربا در نظام فقهی امام خمینی، ص ۱۲۷.

۲. ر.ک: جواهر الکلام، محمد حسن جواهری، ج ۲۳، ص ۳۹۱.

۳. حسینی زیدی، سیدابوالقاسم؛ لطیفی سیدآبادی، محمد مهدی، اثبات نظریه افتراق معنوی در خیار مجلس، ص ۴۷۰ - ۴۸۰.

۴. ر.ک: درس خارج فقه آیت‌الله مکارم، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۴، ابواب احکام العقود، باب ۹، شماره ۲۳۱۲۵، ح ۱، ط آل البيت.

۵. صاحب مفتاح الکرامه در عبارتی جامع می‌فرماید: قوله قدس سره: و لو اشتهل أحد العوضین علی جنسین ربوئین صحَّ ببيعهما بأحدهما مع الزیادة کمّد تمر و درهم بمَدین أو بدرهمین أو بمَدین، قد نصّ



۳. بانکداری اسلامی و راهکارهای ایجاد آن

در ابتدا نسبت به تمایز بانکداری اسلامی و غیراسلامی شایسته تذکر است که در بانکداری اسلامی پول، تنها ابزاری برای مبادله است و هدف نیست ولی در بانکداری رایج، نقدینگی موضوعیت دارد و مقدار کافی نقدینگی همیشه به صورت ذخیره در بانکها وجود دارد^۱. به عقیده صاحب نظران اقتصاد اسلامی، عنصر اساسی در اختلاف عملیات بانکی ربوی و بدون ربا در این است که بانکی که عملیات ربوی را انجام می دهد، سپرده های مردم را جذب کرده و در مقابل به آن ها بهره می پردازد و همچنین به عده ای قرض داده و مقادیری بیشتر از آن، به عنوان بهره دریافت می کند، که از این دو به عنوان «سپرده گذاری» در مقابل «بهره» و «قرض» یاد می شود و در مقابل، در عملیات بانکداری بدون ربا، پرداخت و دریافت «بهره» در هیچ مورد از موارد مذکور جایز نبوده و عقود شرعی مناسب جایگزین آن شده است^۲.

علی جواز ذلك «المبسوط و الخلاف و الغنية و السرائر، و الشرايع، و النافع و التحرير و التذکره... و قد حکى عليه الإجماع فى الخلاف و الغنية و التذکره... (مفتاح الکرامه، سيد جواد الحسينى العاملى، ج ۱۴، ص ۷۰).

۱. بختیاری، صادق، قانون عملیات بانکداری بدون ربا و چالش مفاهیم، ص ۵۶؛ اکبریان، رضا، رفیعی، حمید، بانکداری اسلامی، چالش های نظری عملی و راهکارها، ص ۱۰۲.

۲. حاتمی، صدیقه، امینی، راضیه، ماهیت فقهی حقوقی سپرده ها در بانکداری ربوی و بدون ربا، ص ۵.

اما به زعم نگارنده عنصر اساسی دیگری تحت عنوان استقلالیت در روش برون رفت از چالش ربا در بانکداری اسلامی اهمیت و نقش تاثیرگذاری دارد، زیرا جنبه استقلالی داشتن یکی از اصول کلی مهم در حوزه استنباط روش های خارج شدن ربا در بانکداری اسلامی می باشد، بدان معنا که شخص با ارتباط سنجی دقیق باید مشخص سازد که ارتباط اسقلالی و جدایی میان روش ارائه شده با معامله و وام برخوردار از عنوان ربوی موجود بوده و راهکار مذکور در قالب معامله ای جدید و صورت مساله مستقل به منصفه استدلال رسیده است، زیرا اگر از خود همان معامله ربوی و شبهه ربا به فکر چاره باشیم، صرفاً با عنوان و عبارت بازی کرده و ماهیت قرارداد را تغییر نداده ایم^۱، برخی در قرض ضمیمه کردن را جایز ندانسته و معتقدند که ربا را حل نخواهد کرد ولو آنکه عنوان هدیه بر آن صدق کند.

اما به زعم نگارنده چون معامله جدید و مستقلی ایجاد می شود اشکالی در این امر متصور نیست، زیرا تفاوت است بین حالتی که بیع به شرط قرض منعقد شده یا قرض به انضمام وام مجتمعاً به شرط بیع قرار می گیرد با جایی که زیاده را شخص اتصال به وام داده و یا ضمیمه ای ملحق به قرض انجام می دهد، چون وام گیرنده و وام دهنده در صورتی که تبدیل و تبادل را داشته و پس از آن بدون لحاظ کردن وام و صرفاً به عنوان توافق مستقلی که ملحق به عقد سابق شده مبلغی اضافه مقرر گردد، اشکالی دیگر متصور نخواهد بود، زیرا در فقه شرط به اعتبار استقلال یا ابتدایی است یا ضمن عقد، شرط ابتدایی تعهد مستقل و

۱. عباسی خراسانی، درس خارج ۱۰ خرداد، ۱۴۰۰.



جدا از عقد است^۱، در قوانین موضوعه ایران در الزام به وفای چنین شرطی جای هیچ گونه شرطی نیست (ماده ۱۰ قانون مدنی) لکن در فقه این مسئله بر دو دیدگاه استوار است، برخی ماهیت آن را وعده بر شمرده و آن را لازم التبایع نمی دانند^۲، برخی دیگر در مقابل به قائل به واجب الوفا بودن این شرط شده اند^۳، بنابراین مطابق قوانین موضوعه ایران و بنا به اندیشه گروه دوم استقلالیت می تواند ضابطه ای برای برون رفت از چالش های موجود در ربا قرار بگیرد، لکن بنا به اندیشه گروه نخست این ضابطه در محل تأمل واقع می شود.

بانکداری اسلامی به قدمت تاسیس آن، همیشه دارای موافقان و مخالفینی بوده است. از دیدگاه مخالفان بانکداری اسلامی، در صورت روی کار آمدن بانکداری اسلامی، بیشتر ابزارهای سیاست گذاری بانک مرکزی، کارآیی خود را از دست می دهند، سیاست هایی نظیر حداقل احتیاج های ذخیره نقدی، احتیاج های نقدینگی، سقف های اعتبار کل روی فعالیت های اعطای تسهیلات بانکها، هدف های اجباری تأمین مالی بخش های خاص اقتصاددانان اسلامی و...؛ در مقابل برخی از راهکارهای پیشنهادی از سوی طرفداران بانکداری اسلامی، عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی، لزوم

۱. خوئی،: الشروط أو التزامات التبعية فی العقود، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. خوئی، سید ابوالقاسم، تقریر مصباح فقهه محمدعلی توحیدی، ج ۲، ص ۱۴۲؛ انصاری، زکریا، فتح

الوهاب، ج ۶، ص ۱۱؛ خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۳. حائری، سیدکاظم، القضا فی فقه الاسلامی، ص ۱۶۱.

نگهداری صددرصد ذخیره قانونی برای سپرده‌های جاری، نظام نسبت ذخیره قانونی، نظام نسبت ذخیره قانونی ویژه^۱ می‌باشد، که در جایگاه خود حائز تأمل است.

تفاوت بانکداری ربوی و غیرربوی غالباً در چگونگی تجهیز منابع و دادن وام می‌باشد. روش‌های تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا عبارت است از:

۱. سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری که به شکل عقد قرض است و افراد می‌توانند با داشتن حساب، وجوه مالی خود را به بانک واگذار نموده و دسته چک دریافت کنند و با استفاده از چک دریافتی، از موجودی خود هر اندازه که بخواهند مبالغی را برداشت نمایند. برای سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری سودی تعلق نمی‌گیرد (برخلاف سپرده قرض‌الحسنه پس-انداز).

۲. سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز؛ افراد در این نوع از سپرده‌گذاری می‌توانند با استفاده از دفترچه پس‌انداز هر زمان اراده کنند از حساب خود پول برداشت نمایند. وجوه این حساب نیز مانند سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری به مالکیت بانک درمی‌آید. بخشی از این وجوه به پرداخت قرض‌الحسنه و بخشی دیگر از طریق عقود و تشویق مردم به پس‌انداز، در بانک نگهداری می‌شود.

۳. سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار؛ این سپرده‌ها را افراد به قصد انتفاع از سرمایه نقدی خود در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند. اشخاص حقیقی یا حقوقی، سرمایه نقدی خود را با عنوان

۱. اکبریان، رضا، رفیعی، حمید، بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری عملی و راهکارها، ص ۱۰۵.



وکالت به بانک تحویل می دهند و بانک بعد از کسر ذخایر احتیاطی، مابقی را از طریق عقود بانکی، سرمایه گذاری می کند. بانک ها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه گذاری مدت دار را متعهد می شوند، ولی میزان سود از ابتدا معلوم نیست، بانک ها بعد از پایان دوره ی مالی، سود واقعی را محاسبه کرده و بعد از کسر سهم بانک و حق الوکاله ی بانک، مابقی را به عنوان سود قابل تقسیم، بین صاحبان سپرده های سرمایه گذاری تقسیم می کنند^۱ سرانجام با اصول چهارگانه مستخرج از پژوهش یعنی منفعت عقلایی، استقلالیت، فقدان مانع و عدم شباهت به ربا در کنار راهکارهای گوناگون ارائه شده از برای دستیابی به بانکداری بدون ربا از سوی صاحب نظران اجمالاً و بنا به مقتضیات نوشتاری می توان به برخی از آن ها لاحقاً اشاره نمود:

۱) جلوگیری از خلق پول توسط بانک های عامل با واریز فوری سپرده های جاری به بانک مرکزی^۲.

۲) الکترونیکی نمودن فعالیت های بانکی جهت ایجاد شفافیت^۳ (همان)

۳) نظارت مستمر بانک مرکزی بر عملکرد بانک ها از طریق سامانه جامع اطلاعات بانکی که در اختیار بانک مرکزی است و برخورد قاطع با تخلفات بانک ها و مؤسسات اعتباری^۴.

۱. هادوی تهرانی، مهدی، مجموعه سخنرانی ها و مقالات بانکداری اسلامی، ص ۲۱۸.

۲. مصباحی مقدم، غلامرضا، چالش های بانکداری بدون ربا در ایران (راهکارهای برون رفت)، ص ۱۱۸.

۳. همان.

۴. همان.

- ۴) حذف یا کاهش «سود علی الحساب» نسبت به سود نهایی سالانه بانک‌ها^۱.
- ۵) تشکیل هیئت یا شورای فقهی فعال در بانکداری بدون ربا جهت جلوگیری از افتادن در ورطه ربای قرضی^۲.

نتیجه‌گیری

در شئونات فقهی امری مسلم و غیر قابل انکار است که شارع مقدس در خصوص معاملات صرفاً نقش امضای موارد سابقه را ایفا کرده نقش تاسیسی ندارد، این وظیفه فقیه است که اصول کلی (مبنتی بر ادله فقهی و اجتهادی) القاء شده از سوی حضرات معصومین علیهم السلام را در کنار استخراج معاملات در عصر حاضر به دست آورده و با تطبیق معاملات در عصر شارع با کوچک ترین شباهتی (الغاء خصوصیت و تنقیح مناط یا قیاس اولویت) در کلیات به حکم مسئله دست پیدا کند، به همین جهت لزوم مشابَهت اجمالی کفایت کرده و ضرورت آن تا حدی است که در تطبیق دو موضوع معیارهای

۱. همان.

۲. حاتمی، صدیقه، امینی، راضیه، «ماهیت فقهی حقوقی سپرده-ها در بانکداری ربوی و بدون ربا»، ص



اثرگذار بر تکوین حکم کشف و اعمال شود، اساساً باید هر معامله مستحدث و جدیدی با حریم ممنوعه و خطوط قرمز شریعت تطبیق داده و گام فراتر از آن نرود.

قانونگذار با وضع برخی از مقررات پولی و بانکی کشور مانند قانون عملیات بانکی بدون ربا در تلاش است تا نظام بانکداری رایج را که براساس نظام اقتصادی غربی و بر قرض ربوی استوار شده است با نظام بانکداری مبتنی بر اصول اقتصاد اسلامی مورد بازنگری قرار دهد، که با توجه به سرعت تکنولوژی و تحول در شئونات معاملی بشر در زیست اجتماعی خصوصاً در نهاد نظام بانکداری اسلامی روش های متعدد و گوناگونی از سوی صاحب نظران و اندیشمندان ارائه شده که برخی از آن ها مورد نقد و مردود استدلال گردیده است، نگارنده با بررسی این موارد و تحقیق در خصوص اساس بانکداری اسلامی و مفاهیم راجع به آن در پژوهش حاضر به ضابطه و چارچوبی دست یافت، که به واسطه آن می توان در خلق روش های گوناگون برون رفت از چالش های ربا در بانکداری اسلامی دچار خطا و اشتباه نشد و راه کار های مناسب، معقول و مشروع ارائه کرد.

در پژوهش حاضر ضمن بازخوانی برخی از تحلیل های انجام شده، برخی از مهم ترین نقدهای وارد شده بر بانکداری اسلامی و راهکارها و پاسخ های پیشنهادی صاحب نظران درباره چگونگی فرار از قرض ربوی، مورد بازخوانی و تحلیل قرار گرفت. براساس یافته های پژوهش حاضر در خصوص معرفی اصول کلی و ضابطه ارایه راه های مناسب این نتیجه به دست می آید، رعایت چهار اصل در ارائه روش در خصوص برون رفت از ربا در بانکداری اسلامی ضرورت دارد، چهار اصلی که تحت عنوان «منفعت عقلایی»، «استقلالیت»،

«شبهه ربوی نبودن» و «فقدان مانع شرعی و عقلی و عرفی» به منصفه استدلال رسید، بنابراین اگر این چهار اصل که از خطوط قرمز شارع در مسیر عنوان پژوهش بشمار آمده رعایت و مورد تجاوز واقع نشود، ضمن حفظ رونق اقتصادی، می‌توان نظام اقتصادی کشور را از افتادن در ورطه ربا با جهت دهی در سیاست‌گذاری‌های کلان مصون بماند.

کتابنامه

۱. اکبریان، رضا، رفیعی، حمید، «بانکداری اسلامی، چالش‌های نظری عملی و راهکارها»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۲. انصاری، زکریا، فتح الوهاب، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳. انصاری، مرتضی؛ کتاب المکاسب، جلد شش، چاپ نخست، قم: انتشارات کنگره، ۱۳۹۹ش.
۴. اردبیلی، محقق مقدس، مَجْمَعُ الْفَائِدَةِ وَ الْبُرْهَانِ فِي شَرْحِ إرشادِ الْأَذْهَانِ، جلد هشتم، چاپ اول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۸.



۵. آهنگران، محمدرسول، ملاکریمی خوزانی، فرشته، «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۹.
۶. اشرفی شاهرودی، مرتضی؛ درس خارج ۲۵ آبان، اقتباس شده از سایت مدرسه فقاقت به نشانی (<https://www.eshia.ir>)، ۱۳۹۴ش.
۷. بیدار، محمد، «بررسی کارمزد قرض الحسنه و شیوه های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۸. بختیاری، صادق (۱۳۸۳)، قانون عملیات بانکداری بدون ربا و چالش مفاهیم، نشریه علمی اندیشه حوزه، شماره ۵۳.
۹. جوادی، امیر، «مفهوم قراردادهای بانکی در ایران»، سایت حقوقی دکتر جوادی، حقوق بانکی.
۱۰. حاتمی، صدیقه، امینی، راضیه، «ماهیت فقهی حقوقی سپرده ها در بانکداری ربوی و بدون ربا»، اولین همایش ملی بانکداری اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۱۲. حسینی سیدامرالله، «ضوابط شروط ضمن قرارداد، وجه التزام بانکی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم شماره ۶۶، ۱۳۹۶.

۱۳. حلبی، حمزه بن علی بن زهره، غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
۱۴. حلی، یحیی بن سعید، جامع الشرائع، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۵. خادمان محمود، «فقه امامیه و بانکداری اسلامی»، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۸.
۱۶. حسینی زیدی، سیدابوالقاسم؛ لطیفی سیدآبادی، محمد مهدی (۱۴۰۲) اثبات نظریه افتراق معنوی در خیار مجلس، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۶ (۲) ۴۸۴-۴۶۷.
۱۷. حائری، سیدکاظم، القضا فی فقه الاسلامی، چاپ اول، انتشارات دالفکر، ۱۳۸۱.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت «علیهم السلام» لاحیاء التراث، ۱۴۰۰ق.
۱۹. خوئی، سید ابوالقاسم، تقریر مصباح فقاہه محمدعلی توحیدی، جلد دوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۲۰. خوئی، محمد تقی، الشروط أو التزامات التبعية فی العقود، جلد اول، انتشارات دالمورخ العربی، بیروت.
۲۱. خمینی، روح الله؛ کتاب البیع، اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰ش.
۲۲. همو، رساله توضیح المسایل (مراجع)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.



۲۳. همو، رساله توضیح المسایل (مراجع)، نشر عروج، تهران، ۱۳۹۲ش.
۲۴. همو، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۳۷۹ش.
۲۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحکام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. صدر، سیدمحمدباقر، «بررسی فقهی احکام بانک»، فقه، شماره ۷۰، ۱۳۹۰ش.
۲۷. عسگری گیلانی حکیم، «قرض الحسنه و ربا از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)»، سایت حکیم عسگری گیلانی، ۱۳۹۷ش.
۲۸. عباسی خراسانی، حسین؛ درس خارج ۱۰ خرداد، اقتباس شده از سایت مدرسه فقاقت به نشانی (<https://www.eshia.ir>)، ۱۴۰۰ش.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، امیرالعلم، قم، ۱۳۸۴ش.
۳۰. فیاض محمدصادق، «چالش حیلہ های شرعی فرار از ربا در نظام فقهی امام خمینی»، نشریه گفتمان فقه حکومتی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۹۸ش.
۳۱. قاسم زاده مرتضی، «خرید دین در نظام بانکی ایران، دیدگاه های حقوق قضایی»، دوره ۲۴، شماره ۸۵، ۱۳۹۸ش.
۳۲. قاسمی، عباس؛ حسین آبادی، حامد امیر؛ حسینی پویا سیدمحسن، «ارکان و شرایط صحت شرط خسارت قراردادی وجه التزام در قراردادهای بانکی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۶، ۱۳۸۶ش.

۳۳. قایینی، محمد؛ درس خارج ۲۱ اسفند، اقتباس شده از سایت مدرسه فقهات به

نشانی (<https://www.eshia.ir>)، ۱۴۰۰ ش.

۳۴. کقبادی، سعید؛ عباس، عرب مازار، «جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی

ایران»، سال ششم، ۱۳۸۵ ش.

۳۵. لشکری، محمد؛ حسینی، سیدمحمد؛ معدنی، محمدعلی، «بررسی موضوع ربا

در قراردادهای قرض الحسنه»، رایج در سیستم تأمین مالی ایران، نشریه اقتصاد و

بانکداری اسلامی، ۱۳۹۴ ش.

۳۶. مجتهدسلیمانی، ابوالحسن؛ توکلی فر، محمد، «اعتبارسنجی توثیق دین در فقه

امامیه، حقوق ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره ۳، ۱۳۹۸ ش.

۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج فقه، مدرسه فقهات، مبحث

خیارات ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ ش.

۳۸. مصباحی مقدم، غلامرضا، «چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران (راهکارهای

برون رفت)»، اقتصاد اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

۳۹. مصطفوی، سیدمحمدکاظم، فقه المعاملات، قم، انتشارات اسلامی، اول،

۱۴۲۳ ق.

۴۰. مطهری، مرتضی، مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه، نشر صدرا، تهران،

۱۳۹۹ ش.

۴۱. همو، «مسئله ربا و بانک»، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۰، قم، [بی تا].



۴۲. مکی عاملی، شمس الدین محمدبن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیه فی الفقه امامیه، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۳. موسویان سیدعباس، کاوند، مجتبی، «مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی»، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، پیاپی سوم، ۱۳۸۹ش.
۴۴. موسویان، عباس؛ کشاورزian، اکبر، «مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض الحسنه در نظام بانکی ایران»، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال بیستم، شماره ۷۸، ۱۳۹۸ش.
۴۵. ناجی مهدی، «بررسی عقد قرض به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی»، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۴، شماره ۲، ۱۳۹۸ش.
۴۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۶۸ش.
۴۷. هادوی تهرانی، مهدی، مجموعه سخنرانی ها و مقالات بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری تهران، خورشید، ۱۳۸۷ش.
۴۸. ی. و. نسنک، معجم الفهرس لا لفظ الحديث النبوی، جزء الثاني، ۱۳۹۶ش.